

بازسازی آتشگاه اصفهان بر اساس منابع و متون اسلامی

شهباز نوری فشارکی

دانشجوی دکتری دانشگاه علوم و تحقیقات

andishe83@Yahoo.com

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۳۰)

چکیده

اصفهان کهن دیاری است با ده ها یادگار تاریخ، این شهر از قدیمی ترین روزگار به علت قرار گرفتن در منطقه ای حاصلخیز و حیات بخش زاینده رود مسکونی بوده و به خاطر موقعیت جغرافیایی آن در فلات مرکزی ایران، مورد توجه حکومت‌های گوناگون قرار گرفته و بارها پایتخت بوده است. پیش از ورود آریایی ها، عیلامی ها بر اصفهان فرمانروایی داشتند. این شهر در روزگار مادها جزو قلمرو ماد پارتاکنا به شمار می رفت و «پرتیکان» نامیده می شد. از اصفهان دوران هخامنشی و اشکانی اطلاعات اندکی در دست است، ولی نام «شاذشاپور» دست نشانده‌ی اشکانی اصفهان که در جنگ با اردشیر کشته شد، در کتاب‌های تاریخی ثبت گردیده است. اهمیت اصفهان روزگار ساسانی را نیز می توان از نوشته های مورخان دریافت. آنان اصفهان را یکی از شهرهای مهم ساسانیان دانسته اند، در کتیبه‌ی شاپور بر کعبه ی زرتشت از این شهر به نام «گی» یاد شده است. هم چنین در کتیبه ی کریرتر نام «سپاهان» دیده می شود. اصفهان در هنگام حمله ی اعراب مسلمان مشتمل بر دو شهر بود: یکی «جی» و دیگری «یهودیه». اصفهان دارای گنجینه ای از آثار متعدد تاریخی، هنری و فرهنگی است که هر یک تبلور و تجسم ایدئولوژی و سیاست های نظام حاکم و نگرش ها، جهان بینی، طرز تفکر و بالاخره فرهنگ مردم و حکومت های زمان خویش است. آندره مالرو، نویسنده فرانسوی، هنگام بازدید از اصفهان آن را این گونه می ستاید: «چه کسی می تواند ادعا کند زیباترین شهر جهان را دیده است، بی آن که اصفهان را دیده باشد؟» از آثار مهم تاریخی اصفهان، که توجه مورخان، جغرافیدان ها و سیاحان ایرانی و اروپایی را به خود جلب کرده و مطالب زیادی در مورد آن نوشته شده است، «آتشگاه» است، این بنا در جاده ی اصفهان - نجف آباد در جوار راهی بسیار کهن و مهم واقع شده که امتداد آن به بین النهرین می رسیده است. بیش تر کسانی که در مورد این بنا سخن گفته اند، آن را به دوران ساسانی منسوب دانسته اند. آتشگاه در طول تاریخ مورد توجه سیاحان و تاریخ نویسان مسلمان نیز بوده است. این مقاله به معرفی و نظرات مورخان و مستشرقان در این زمینه می پردازد.

واژگان کلیدی: اصفهان، ساسانی، آتشگاه، مورخان اسلامی.

مقدمه

زرتشتیان» ضمن بر شمردن و توصیف اکثر آتشیخانه- های ایران، از پناه گرفتن اسماعیلیان اصفهان به آتشگاه در اواخر سده پنجم هجری خبر می دهد. از آتشگاه اصفهان در متون کهن، به نام دژ ماریین / مهرین یاد شده و اشاراتی درباره شهرک باستانی مهرین رفته است. یافته شدن سفال های گورتان و نام های باستانی و روستاهای ماریین، گواه بسنده ای است بر وجود فرهنگ و تمدنی دیرسال در این بخش، که متأسفانه بسیار مورد بی توجهی واقع شده است. در این راه از سخنان مورخین و جغرافیانویسان قدیم یاری گرفته شده و پژوهش های نوین و برداشت های میدانی و مشاهدات محلی و عکس ها و مدارک و مستندات تاریخی، با آن همراه شده است تا شناختی نسبتاً کامل از وضعیت موجود آتشگاه فراهم آید.

موقعیت جغرافیایی طبیعی آتشگاه

خمینی شهر در ۱۲ کیلومتری شمال غربی اصفهان واقع است. تپه آتشگاه (با ارتفاعی حدود ۱۰۰ متر از پای تپه) در سه کیلومتری جنوب آن و هشت کیلومتری غرب اصفهان جای دارد. کمی فاصله بین آتشگاه و زاینده رود، موقعیت ممتازی بدان بخشیده است. این امر ما را متوجه این نکته می کند که اولاً در گذشته، مسکن بی شمار انسانی در پای همین تپه وجود داشته است که ساکنین آنها در مواقع ضروری از قلعه مزبور به عنوان مرکز دفاعی و پناهگاه استفاده می کرده اند. دوم اینکه آیا خمینی شهر امروزی در پای همین تپه واقع نبوده است؟ که با پیشامدهای تاریخی، به ویژه غلبه قوم مهاجم و تسخیر قلعه آتشگاه، ساکنین آن به ترک مسکن

اصفهان، این شهر دیرسال که نگین انگشتی جهان اسلام است، سخنان بسیار از تلاش و تکاپوی ایرانیان در ساختن شهری آرمانی دارد. هرچند که درخشش و شکوه دوران اسلامی اصفهان همواره تا بدان پایه بوده که احوال پیش از اسلام آن را تحت الشعاع قرار داده است. ولی اصفهان پیش از اسلام نیز جایگاهی رفیع داشته است آنسان که یکی از آزاد مردان داستانی ایران کاوه آهنگر را از اصفهان دانسته اند. اصفهان را بی شک باید دل ایرانشهر دانست. اصفهان، دل دیار عزیز است که جای جای آن، نشان از مهر و راستی دارد. اصفهان، دل سرزمینی است که جایگاه پاکان و آزادگان است و قدمتی همتای تاریخ تمدن بشری دارد. آتشگاه، این بنای خشتی غریب که بر فراز کوهچه ای به بلندی ۱۰۰ متر در بخش ماریین اصفهان جای دارد، نخستین بار از سوی اوستا شناس بزرگ ویلیامزجکسن در اوایل قرن بیستم میلادی مورد توجه و بررسی علمی قرار گرفت. «آندره گدار» به سال ۱۹۳۸ میلادی در یکی از مجلدات «آثار ایران» که اختصاص به بناهای آتش داشت، گفتاری کوتاه ولی اصولی و دقیق درباره آتشگاه اصفهان می آورد. سپس ماکسیم سیرو در اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی بررسی های دقیق را در آتشگاه به انجام می رساند و برای نخستین بار اقدام به تهیه نقشه های معماری صحیح از آن می نماید.

کمی بعدتر، کلاوس شیپ مان با حضور در آتشگاه آن را از نزدیک مورد مطالعه قرار داده و گزارش خود را در کتابی درباره بناهای آتش ایران، به زبان آلمانی انتشار می دهد.

از ایرانیان، نخستین بار رشید شهردان (که یک موبد پارسی ایرانی تبار بود) در کتاب «پرستشگاه

حدود و اصل خود را نشان ندهد ولی پس از مطالعه و دقت زیاد است که متوجه می شویم پس از قرون متمادی چه صدمات و لطماتی به این بنا وارد شده و وضعیت کنونی را بوجود آورده که می توان چند علت آن را بطور خلاصه چنین بیان نمود:

۱. عده ای سودجو در سالهای اخیر سنگ های کوه را بریده و برده اند که از وارد کردن هر گونه خرابی هراسی نداشته و تنها قسمت دست نخورده کوه قسمت کمی از جبهه شرقی است که سنگ های این قسمت به علت اینکه چند لایه است و غیرقابل استفاده از بردن آن خودداری شده است.

۲. وجود منبع آب اصفهان در قسمت شمالی تپه که برای قراردادن یک حجم عظیمی به این شکل مجبور شده اند که قسمتی از تپه بریده شود که بالطبع باز هم مقداری از بنا از بین رفته است.

۳. انفجار دینامیت هایی که برای بریدن سنگ استفاده می شده که نشانه های این خرابی ها را فعلاً در دامنه تپه که بصورت خاک و سنگ ریزه داخل شده و بوسیله باران و سیلابهای باران شسته شده مشاهده می توان کرد.

از عوامل طبیعی که در از بین بردن بنا موثر بوده است عوامل جوی است که بیشتر در قسمت شرق و جنوب شرقی و جنوب غربی و جنوب بنا دیده می شود که در زمستان به علت برف و یخ موجود روی تپه در این قسمت ها به واسطه تابش خورشید در شبانه روز یک بار یخ می زده و دوباره یخ آب می شده و فرسایش زیادی در سنگ های تپه و خود بنا بوجود آورده است. بیشتر مشخصات بنا را می توان در قسمت شمالی ملاحظه نمود. فرم قرار گرفتن بنا بر روی تپه بدین صورت است که تخته سنگ های روی کوه را بوسیله تراش تکیه گاهی برای آن

خویش و ایجاد آبدی های دیگری در محل فعلی خمینی شهر نپرداخته اند؟ این تپه سنگی که بنا بر روی آن قرار دارد در منطقه ای بنام «ماربین» که یکی از مناطق بسیار کهن اصفهان می باشد واقع شده است. شکی نیست که در سال های قبل از اسلام، در همین بلوک ماربین، شهر معتبری وجود داشته است، بطوری که حافظ ابونعیم در کتاب «ذکر اخبار اصفهان» درباره تعداد شهرهای اصفهان، از هفت شهر، یاد می کند که یکی از آنها به نام «مهربین» (ماربین) بوده که حتی تا دوره ظهور اسلام نیز آباد بوده است.^۱ در زمان ابو حوقل (اواسط سده چهارم هـ. ق.) شهر مزبور از رونق افتاده و به روستایی تبدیل گردیده بود. ناحیه آتشگاه و خمینی شهر، برای استقرار اولین مساکن انسانی در حوزه آبیاری زاینده رود، مناسب تراز جی و یهودیه تشخیص داده می شود. حاصلخیزی خاک، آب فراوان، آب و هوای مناسب و ارتفاع کمتر زمین، برتریت این ناحیه را نسبت به نواحی فوق روشن می سازد.

دلایلی چند نیز، گواه بر سکونت گسترده زرتشتیان در خمینی شهر تا عهد صفوی می باشد. کتایون مزداپور در کتاب «زرتشتیان» به نقل اطلاعات شفاهی در این باره می پردازد که «زردشتیان ده خرمشاد در یزد، از سده اصفهان به این محل رفته اند (مزداپور، ۱۳۸۲، ص ۵۶)

وضعیت موجود آتشگاه

بنای آتشگاه بنا به چند علل طبیعی و غیرطبیعی وضعیت اصلی خود را از دست داده و چنان آشفته شده که در نظر اول فرد را می تواند گول بزند و

^۱ این مطالب را ابونعیم از قول صاحب کتاب «اصبهان» (نیمه نخست سده سوم هـ. ق.) که حمزه اصفهانی بوده است، می آورد.

خشت‌ها بصورت هشت و گیر است که وسط هر خشت درست روی لای درز دو خشت زیرین قرار گرفته است. در بلندترین نقطه کوه بنایی برج مانند قرار دارد که از داخل هشت ضلعی و از بیرون دایره شکل است که در روی هر یک از اضلاع آن یک درگاهی تعبیه شده است و در بالای درگاهی از قسمت داخل رفی قرار دارد و با پوشش قوسی که قطعاً این بنا در دوره های بعد ساخته شده و به احتمال زیاد مربوط به دوره اسلامی است که برای نگهداری مورد استفاده قرار گرفته است. علاوه بر برج فوق در جبهه شمالی و شمال شرقی نیز آثاری باقی مانده است که به صورت یک سری اطاق‌هایی است که عبارتند از یک اطاق منفرد در قسمت زاویه شمالی که سه درگاهی در ضلع شمال شرقی و در ضلع روبروی آن یک درگاهی در ضلع شمال غربی یک درگاه و در ضلع قرینه آن نیز یک درگاه است و در داخل دارای طاقچه‌هایی است که در پایین طاقچه دارای زاویه قائمه است و در قسمت بالا بصورت قوسی است که تا دیوار اطاق ادامه دارد.

در همین جبهه در قسمت بالاتر به طرف مرکز تپه نیز دو اتاق پهلوی یکدیگر قرار گرفته اند که یکی بزرگتر به ابعاد $(۶/۲۰ \times ۴/۸)$ متر) و دیگر کوچکتر به ابعاد $(۴/۸۵ \times ۳/۸۳)$ متر) که از طاقچه‌های فوق‌الذکر در داخل این اتاق‌ها نیز هست و آثار پوشش طاقی نیز در آنها دیده می‌شود و به اتاق‌های بزرگتر برجاست که از خشت‌های (۲۰×۲۰) جهت ساختن به اتاق استفاده شده است. در پشت اتاق کوچک در ارتفاع $۲/۸۰$ متری یک سری اتاق قرار دارد که فقط دیوارهای آنها تا ارتفاع ۶۰ سانتیمتری باقی مانده است و یک اتاق کوچک $(۲/۳۸ \times ۱/۸۵)$ متر) که دو ترمبه آن هنوز باقی است و بقیه آثار از بین

درست می‌نموده اند و داخل فرورفتگی‌ها را بوسیله شفته پر نموده و یک سطح نسبتاً صافی بوجود آورده و بعد از پی بنا را بر روی آن قرار می‌داده و یک حجم بزرگی بوسیله خشت ایجاد نموده که در بالا یک سطح صافی داشته است که ساختمان را بر روی این سطح صاف بنا می‌نموده اند و عرض این تراش‌ها بین ۲۰ تا ۶۰ سانتیمتر متغیر است که فرسایش چند صدساله را نباید فراموش کرد و این سطح صاف در چند طبقه تکرار شده است. که اگر مقطع بنا را در نظر گیریم دیوار هر طرف به صورت کنگره ای است که به احتمال زیاد به صورت قرینه سازی انجام گرفته است. در قسمت شرقی بنا که سنگهای این قسمت دست نخورده باقی مانده است تراش‌هایی زیر پی بخوبی مشخص شده است که بصورت کمربند دور بنا می‌گشته است و در قسمت‌های دیگر از جمله جنوب تپه بصورت پراکنده باقی است. بر روی سطوح صافی که بوجود آمده بقایای آثاری است که بیشتر در قسمت شمالی باقی مانده و بصورت یکسری اطاق‌هایی است که به نحوی با یکدیگر ارتباط دارند و نشانه‌هایی در آنها است که معلوم می‌دارد در دوران‌های مختلف از این محل (به علت موقعیت خاص جغرافیایی و سوق الجیشی بودن آن که از طرف شرق و جنوب شرقی زاینده‌رود حصار آن است و از شمال هم دشت وسیعی قرار گرفته است که هرگونه حرکتی را می‌توان کنترل نمود) استفاده شده است. مصالح عمده بنا خشت خام است به ابعاد $۶۰ \times ۴۰ \times ۱۳$ که پایه‌های اصلی بنا را مخصوصاً با آن گونه خشت‌ها ساخته شده است و در هر رگه خشت یک لایه نی گذاشته شده که برای استحکام بنا بوده است و الحق در باقی ماندن بنا کمک بسیار موثری نموده است. فرم قرار گرفتن

۳. تعمیر و مورد استفاده قرار گرفتن در دوره-

های بعد

۴. آب و هوای نسبتاً خشک اصفهان

۵. حالت چسبندگی که در خاک رس اصفهان

است که برای ساختن خشت های به کار رفته در بنا از این خاک استفاده شده است.

۶. دوری از دسترس مستقیم عامه مردم

سخنان مورخین اسلامی و جغرافیایانویسان قدیم در

ذکر نام ماریین و آتشگاه

■ ابن خردادبه (وفات ۳۰۰هـ.ق) در «مسالك و

ممالک» (۲۳۴-۲۳۰ هـ.ق)

کوره اصفهان هشتاد فرسخ در هشتاد فرسخ و

دارای هفده رستاق، و در هر رستاق، سیصد و شصت

و پنج قریه قدیمی به جز قریه های نوینیا و وجود

دارد و خراج آن هفت میلیون درهم است... رستاق

ماریین از قریه های اصفهان و در نیم فرسخی آن قرار

دارد و آن قلعه ای است که طهمورث بنا نهاده و

آتشکده ای در آن قلعه برپاست (ابن خردادبه، ۱۳۷۱،

ص ۲۴).

■ بلاذری (وفات ۲۷۹ هـ. ق) در «فتوح البلدان»

(اتمام پس از ۲۵۵ هـ. ق):

گروهی از بزرگ زادگان اصفهان در جفرباد، از

روستاهای شیمره کبری در بهجاورستان و نیز در قلعه

ای به نام ماریین، دژ و بارو داشتند. چون جی فتح

شد. سر اطاعت فرود آوردند و خراجگزار گردیدند و

نیز از پرداختن جزیه سرباز زدند و اسلام

آوردند (البلاذری، ۱۳۴۶، ص ۱۳۹).

■ ابن رسته در «الاعلاق النفیسه» (۲۹۰ یا ۳۱۰ هـ

ق).

رفته است. بقیه آثار هم به صورتی خراب شده اند که

مگر حفاری شده و خاکبرداری شود تا بتوان فرم و

شکل ساختمانی آنها را تشخیص داد. در اینجا

بی ربط نیست اگر توصیفی را که مادام دیولافوآ از

آتشگاه که در سال ۱۸۸۲ میلادی دیده است عیناً بیان

گردد: « این تپه در وسط دره زاینده رود واقع است.

چنین به نظر می آید که در راس آن عمارت استوانه

ای شکل واقع بوده و گنبدی هم داشته است. در

محیط آن هشت سوراخ است که به قرینه یکدیگر

قرار گرفته اند از وضع طاق ها چنین استنباط می شود

که این عمارت در زمانی که خیلی دور نیست تعمیر

یافته باشد ولی در داخل بنا هیچ گونه آثاری از

تزیینات دیده نمی شود که بتوان آن را به زمان معینی

مربوط و سن تقریبی آن را بدست آورد. در پایین این

بنای مرکزی آثار خانه های خراب شده دیده می

شود. در اطراف این بناها دیواری بوده که خرابه های

آن باقی است با خشت های مربعی که طول ضلع آن

چهل سانتیمتر و ضخامتشان دوازده سانتیمتر است بنا

شده. در میان مصالح طبقات نی دیده می شود و شبیه

به ابنیه بابل قدیم است. چگونگی این بنا و تاریخ آن

را اصفهانی ها نیز نمی دانند و فقط به آتشگاه

معروف شده است. ممکن است یکی از معابد گبران

باشد که معمولاً در روی تپه ها و کوه ها ساخته اند

اما ساختمان معابد با دیوارهای ضخیم خشت و گلی

دیده نشده است.

دلایل اینکه این بنا تا به حال بدین صورت باقی

مانده و بطور کلی از بین نرفته است عبارتند از:

۱. وجود نی در لای خشت ها که از شسته شدن

و فروریختن بنا جلوگیری نموده است.

۲. کارکرد عوامل بنا به یک صورت چون عمده

مصالح آن از یک جنس بوده است.

پادشاه وقتی مجوسی شد آنجا را آتشکده کرد و بت ها را برون ریخت. این خانه در سه فرسخی اصفهان است و تاکنون (۳۳۲ هـ. ق.) به نزد مجوسان محترم است (مسعودی، ۱۳۵۶، ص ۵۸۹).

■ حمزه اصفهانی در «تاریخ پیامبران و شاهان» (سنی ملوک الارض و الانبیاء) (نیمه نخست قرن ۴ هـ. ق.):

طهمورث در اصفهان، دو بنای بزرگ به نام های مهرین و سارویه ساخت. اما مهرین بعدها نام روستایی گردید که پیش از آن موسوم به کوک بود و در پایین آن قرار داشت... کی اردشیر وی بهمن اسفندیارین گشتاسب است که به سبب جنگ های بسیاری که کرده بود، وی را دراز دست خوانده اند.... اردشیر بهمن در اصفهان به یک روز سه آتشکده ساخت: یکی را هنگام بر آمدن آفتاب و دیگری را هنگام ظهر که خورشید در میانه آسمان باشد و سومی را هنگام غروب آفتاب. نخستین بنام «شهر اردشیر» در جانب قلعه ماریین که «شهر» نام شفق و «اردشیر» نام بهمن است، دوم آتشکده بنام «ذروان اردشیر» در قریه دارک از روستای خوار (برخوار)، سوم آتشکده «مهر اردشیر» در قریه اردستان (حمزه بن حسن اصفهانی ص ۳۱).

■ ابن حوقل در «صورة الارض» (۳۵۰ هـ. ق.):

... و قسمتی از آب های مذکور (زاینده رود) از روستای مهرین می گذرد و در اینجا پشته بزرگی چون کوه است و بر آن قلعه ای و در آن آتشکده ای که می گویند آتش آن از آتش های ازلی قدیم است. مراقبین این آتش و دربانان آن از زردشتی ها (مجوس) می باشند که همه ثروتمند و متمولند (ابن حوقل، ۱۳۶۶، صص ۱۰۹ - ۱۰۶).

شهر اصفهان مشتمل بر ۲۰ رستاق است، که یکی از آنها به جی معروف است و آن کرسی و مرکز اصفهان است... دیگر روستای ماریین است که به روستای جی متصل است و از نیکویی و سرسبزی آن محل، همین بس که یکی از پادشاهان قدیم که بعضی گفته اند کیکاووس بوده، از آن محل گذشت و آنجا را پسندید و امر نمود که قلعه ای بر سر کوهی که مشرف بر دره زرین رود است بسازند، بطوری که اگر مردی بالای آن می رفت، مشرف بر تمام روستاهای آن ناحیت بود. پس چون بهمن ابن اسفندیار به پادشاهی نشست، گردش روزگار کار خود را کرده بود و قلعه سوخته و نابوده شده بود. لذا او در اندک فاصله ای از آن قلعه ای ساخت و در آن آتشکده ای بنا نهاد که تا به امروز باقی است و آتش آن نیز روشن و پا برجاست (ابن رسته، ۱۳۶۵، ص ۱۸۰).

■ ابن فقیه در «ترجمه مختصر البلدان» (۲۹۰ هـ. ق.)

روستاهای اصفهان عبارتند از: جی و ماریین و النجان و براغان و برخوار و رویدشت و اردستان و کروان و برزاوند و دارک و فریدن و قهستان و.. چون طهمورث پادشاه شد. در اصفهان، در روستای ماریین و رویدشت ساختمان کرد (ابن فقیه، ۱۳۴۹، ص ۹۸).

■ مسعودی (وفات در ۳۴۵ یا ۳۴۶ هـ. ق.) در «مروج الذهب و معادن الجواهر» (۳۳۲ هـ. ق.):

... به گفته این گروه بیت الحرام از جمله هفت خانه بزرگ بود که به نام ستارگان یعنی خورشید و ماه و پنج ستاره دیگر به پا شده بود. خانه معتبر دیگری در اصفهان هست که بالای کوهیست و مارس نام دارد. در آنجا بتانی نیز بود که یُستاسف

... و اورا طهمورث زیناوند گفتندی و زیناوند لقب او بود، یعنی (تمام سلاح) ... و کهنذ مرو او بناکردست و در اصفهان همچین دو بنای قدیم است که از آثار اوست: یکی مهرین که امروز ناحیتی را بدان باز می خوانند، دوم سارویه و اکنون اصفهانیان آن را هفت هلکه گویند... (ابن بلخی ۱۳۶۳، ص ۲۸).
ابن بلخی از آتشیگاهی در جروا آن اصفهان که شاپور ذوالاکتاف (۳۷۹-۳۰۹م) بنا کرده، نام می برد (همان، ص ۷۲).

■ ابن اسفندیار در «تاریخ طبرستان» (اوایل سده ۷ هجری):

به گفته ابن اسفندیار در حدود سال ۴۸۶ هـ. ق. ملاحظه (فداییان اسماعیلیه قلعه آتشکوه یا آتشیگاه اصفهان را به تصرف در آورده، آن را پایگاه خود قراردادده بودند. محمد بن ملکشاه سلجوقی، پس از آنکه ارکان حکومتش در اصفهان استوار می گردد، برادر تنی خود سنجر را به خراسان فرستاده و خود در حدود ۴۹۹ هـ. ق به قلع و قمع جماعت باطنیه آتشیگاه می پردازد: «چون سلطنت بر سلطان محمد ملکشاه مستقیم شد و سنجر برادر او بود از یک مادر و پدر، او را به خراسان فرستاده و جهاد ملاحظه بر دست گرفت و اول قلعه آتشکوه بر در شهر اصفهان مستخلص کرد و آند (چند) هزار ملحد را بکشت و هرجا که ملحدی بود و قلعه ای داشت، مسخره کرد» (شهمردان (به نقل از ابن اسفندیار ۱۳۳۶، ص ۷۹)

■ یاقوت حموی بغدادی در «معجم البلدان» (اوایل قرن ۷ هـ. ق)

مساحت اصفهان، هشتاد در هشتاد فرسنگ است که شانزده روستا و هر روستا سیصد و شصت دیه

■ حافظ ابونعیم اصفهانی (۳۳۶/۳۳۴-۴۳۰ هـ. ق) در «ذکر اخبار اصفهان»:

مساحت اصفهان صد و بیست فرسنگ در صد بیست فرسنگ است... و سه استان و سی بخش (رستاق) و ۱۲۰ دهستان (طسوج) و ۵ هزار قریه و هفت شهرک (مدینه) دارد. اسامی این شهرک ها بدین قرار است: کهنه، جار، جی، قه، مهرین، درام، سارویه. از این هفت شهر، چهار شهر ویران شده و تا زمان ورود اسلام سه شهر جی، مهرین و قه بر جای مانده بود (حافظ ابونعیم اصفهانی، ۱۳۷۷، ص ۱۲۶).

■ مافروخی در «محاسن اصفهان» (نیمه دوم قرن ۵ هجری):

مافروخی از حصن (دژ) ماریین که به آتشیگاه (بیت النار) معروف است نام برده و شرحی ادیبانه در صفا و نزهت این موضع و اینکه چشم انداز آتشیگاه، ده فرسنگ در ده فرسنگ همه آب و سبزه و بوستان می نویسد:

«نخست حصن ماریین که معروفست به آتشیگاه و الحق آیت یا نارکونی برداً و سلاماً بر هر ورقی از ریاحین آن نزهتگاه مسطور. صحن او ده در ده مرغزار و صد در صد جویبار، لب غنچه گلزارش چون دهن معشوق و ...» (ابی الرضا آوی، به اهتمام اقبال، ۱۳۲۸، ص ۲۴) در ادامه، تنگ اشاره دارد که در دژ ماریین را حاکمی به نام مهر یزدان بنا نهاده است: «مهر یزدان که ملکی بود از ملوک طوائف در جهان منشاء اوهم ناحیت النجان بود، دز را بر بالای قلعه ماریین او بنیاد نهاد...» (همان، ص ۹۳).

■ ابن بلخی در «فارس نامه» (اوایل سده ۶ هـ. ق):

ممکن است یکی از معابدگبران باشد که معمولاً در روی تپه ها و کوه ها می ساخته اند. اما ساختمان معابد با دیوارهای ضخیم خشت و گلی دیده نشده است، از مطالعه دقیق آن چنین استنباط می شود که این بنا های خراب باید آثار یک قلعه دوره ساسانی باشد که پناهگاهی برای حکومت جی قدیم بوده است (دیولافوا، ۱۳۶۱، صص ۲۸۶-۲۸۵).

■ ویلیامز جکسن؛ ۱۹۰۳ میلادی

«... پرستشگاه متروک آتش پرستان؛ بر قله تپه ای ساخته شده بود که ۲۱۳ متر از دشت پیرامون ارتفاع داشت، و در پنج یا شش کیلومتری اصفهان واقع بود. راه صعود آن، کوره راه پیچانی بود که از جانب دامنه جنوب غربی آغاز می گشت و به وسیله یک سلسله پله های طبیعی که از لبه تخته سنگ های تراشیده تشکیل می شد، به آتشکده می رسید. قطعات آجر و سفال هایی از گل زرد رنگ راه را پوشانده بود، و بعضی از این سفال ها با خطوط برجسته تزئینی نقش و نگار یافته بود.

آتشکده ویران، درست بر قله تپه قرار گرفته است و عمارتی است هشت ضلعی که از خشت های بزرگ خام درست شده است و حدود چهار متر ارتفاع و چهار متر و نیم قطر دارد. سقف آن در اصل گنبدی شکل بوده است، ولی قسمت اعظم قبه بام فرو ریخته است؛ چنانکه از عکسی که من از جانب غربی آتشکده گرفته ام، هویدا است. هشت درگاه به هشت جهت مختلف باز می شود؛ ستونهای آجری گچ اندود که جرزهای بغل درها را بوجود می آورند و در عین حال پشتیبان و نگهدار سقف بنا هستند، طوری ساخته شده اند که به آتشکده، هیئت بنایی ستوندار می دهند در زیر ساختمان، شالوده و پی مصنوعی وجود ندارد و آتشکده مستقیماً بر روی

کهن دارد و این به جز دیه های تازه ساز است و آنها چنین است: جی، ماربانان، النجان، برآن، برخوار، رویدشت، اردستان، گروان، بُرزاباذان، رازان، فریدین و... (حموی بغدادی ۱۳۸۰، ص ۲۵۹).

نظرات مستشرقین و سیاحان در مورد آتشگاه

■ ژان دیولافوا (مادام دیو لافوا)؛ ۸۲-۱۸۸۱

میلادی

«... باری همینکه از باغ های کلادان خارج شدیم، میرزا تقی خان به ما تکلیف کرد که برویم و یک ساختمان قدیمی را که در بالای تپه ای واقع است ببینیم. با اینکه هوا گرم بود، به طرف تپه روی آوردیم. این تپه در وسط دره زاینده رود واقع است. چنین به نظر می آید که در راس آن، عمارت استوانه ای شکلی واقع بوده و گنبدی هم داشته است. در محیط آن، هشت سوراخ (درگاه) است که به قرینه یکدیگر قرار گرفته اند. از وضع تاق ها چنین استنباط می شود که این عمارت در زمانی که خیلی دور نیست تعمیر یافته باشد، ولی در داخل بنا، هیچگونه آثاری از تزئینات دیده نمی شود که بتوان آن را به زمان معینی مربوط کرد و سن تقریبی آن را به دست آورد. در پایین این بنای مرکزی، آثار خانه های خراب دیده می شود. در اطراف این بناها، دیواری بوده که خرابه های آن باقی است و با خشت های مربعی که طول ضلع آنها ۴۰ سانتی متر و ضخامتشان ۱۲ سانتی متر است، بنا شده است. در میان مصالح طبقات، نی دیده می شود و شبیه است به ابنیه بابل قدیم.

چگونگی این بنا و تاریخ آن را از اصفهانیان نمی دانند و فقط به نام آتشگاه معروف شده است.

اند و هر کدام از آن خشت ها هفت من وزن دارد... نزدیک کوه، کنار کشتزار، از درشگه پیاده شدیم. کوه نسبتاً کوتاه و مخروطی شکل بود و بالا رفتن از آن دشوار به نظر نمی آمد؛ ولی راه معین هم نداشت. از پایین، دیوارهای شکسته روی کوه پیدا بود. محل ساختمان خیلی با سلیقه انتخاب شده بود. روی کوه، چیزی که هنوز برپاست، یک هشت دری گرد است که تاقش ریخته و پایه هایش کنده شده و چندین جرز و آثار بنایی های دیگر، در اطراف کوه دیده می شود. ساختمان از خشت های خیلی بزرگ کلفت از گل ماسه می باشد و لابلای آن بوریا گذاشته شده. جاهایی را که خراب نکرده اند، هنوز محکم و تمیز برجا مانده، خشت ها نیز خیلی محکم و مثل اینست که دیروز قالب زده باشند. اگر این بنا بدست آدم ها خراب نشده بود، شاید صد سال دیگر هم خم به ابرویش نمی آمد. دورنمای شهر اصفهان، بی اندازه قشنگ و سبز و خرم از آن بالا پیدا است. رودخانه مانند نوار سیمین میان سبزه و کشتزارهای رنگ برنگ ماریچ می خورد، این کشتزارها مثل پارچه چهل تکه می باشد که هر تکه آن؛ یک رنگ سبز دارد.

هشت دری، بلند تر از سایر بنا ها و میان کوه واقع شده، دارای هشت درگاه یکجور و یک اندازه است. بالای درگاه ها، هلالی شکل است که دهنه هر کدام قریب یک گز است و از درون، یک رف کوتاه می باشد، مانند رف خانه های قدیمی که بالایش به شکل قوس شکسته است. ظاهراً جای در، در آنجا دیده نمی شود. پی هشت دری از سنگ است و خود بنا از همان خشت های بزرگ ساخته شده که رویش کاهگل و با گچ، سفید شده. در میان هشت دری، محرابی است به شکل مربع مستطیل، مانند محراب مسجد ها که دور آن از سنگ است و درون آن پر

صخره ای طبیعی ساخته شده است که قسمتی از آن در کف بنا هویدا است. چون به پرستشگاه ویران قدم نهادم، مشاهده کردم که بر بالای هر یک از درگاه ها، تاقچه ای در دل دیوار احداث شده است که خطوط آن طوری منحنی وار و متقارن به یک نقطه منتهی می شود که از داخل به درگاه ها شکل و آرایشی مقوس می بخشد. اثرات اندودی قهوه ای رنگ در این تاقچه ها باقی بود، و قسمت هایی از قبه و دیوارها که بالاتر از حد دسترس بودند، هنوز سالم مانده بودند. اثری از کتیبه، لوحه، و یا حجاری در هیچ جا دیده نمی شود، جز آنکه بعضی از اشخاصی که به دیدار آتشکده آمده اند، خویشتن را از دیوارها بالا کشیده و نام خود را با شتابزدگی و با خطوطی ناهنجار در میان تاقچه ها قلم زده اند. کف آتشکده، تقریباً دایره، شکل است و قطرش چهار متر و شانزده سانتی متر می باشد. در وسط آن طرح دایره شکل، چیزی چشم را می نوازد که احتمالاً پایه و شالوده های ساروجین بوده که آتشدان بر آن قرار گرفته است.

بالای تپه را علاوه بر آتشکده، یک رشته بناهای ویران دیگر، که در پیرامون آتشکده ولی اندکی پایین تر از آن ساخته شده اند، فرا گرفته است. این عمارت جانب شرقی، جنوب شرقی و شمال شرقی قله را پوشانده اند. همه اینها بر روی هم، محوطه عمومی آتشگاه را به وجود آورده اند و ظاهراً سکونت گاه موبدان و حریم آتشگاه و شاید به مثابه خزانه آتشکده بوده اند.» (جکسن، صص ۳۹۲ - ۴۸۹).

■ صادق هدایت؛ اردیبهشت ۱۳۱۱ خورشیدی

«... در اینجا، چیز تماشایی دیگری به جز کوه آتشگاه نبود که در دو فرسنگی شهر اصفهان واقع شده و تا اینجا، نیم فرسنگ فاصله داشت. راهنما گفت، بنایی است روی کوه که با خشت خام ساخته

ایوان عالی قاپو به تماشای حومه باختر شهر ایستاده، در دور دست « یک تپه محصور و مرتفع به شکل مخروط، که شیئی بس نمایان در بین تل های فروریخته در پای آن تشکیل می دهد» مشاهده کرده، در شرح آن نگاشته است: «آن را آتشکوه، یعنی تپه آتش می خوانند. بر قله آن، بقایایی از یک عمارت هست، که مردم اطراف می گویند، سازندگان آن شیطان یا ارواح خبیثه بوده اند...» نگارنده سپس به توضیح آن پرداخته که مردم ایران، هر آنچه را که درک نمی کنند اثر شیطان می انگارند، و درخاتمه افزوده است: «اما از آنجا که این آتشکوه، یک تپه مصنوعی است و نزدیک محله ای قرار دارد که گبرها و به ویژه پیروان رزمنده محمود (افغان) در آن ساکن بودند، شکی نیست که ایشان باز در مکانی مسکن گزیدند که اجدادشان از زمان نخستین اسکان بر کرانه های زاینده رود، در آن زیسته بودند، و بدینسان آن را حامل نشانه والاترین پرستشگاه خود یافتند.»

از این متن، چنین بر می آید که در زمان کربورتر، ساختارهای فوقانی آتشگاه سالم تر از امروز بودند، به طوری که می شد بدان عنوان «کوه مصنوعی» اطلاق کرد؛ ولی در حال حاضر، تمامی نمای جنوبی آن، به استثناء چند اثر مرئی مانده از خشت چینی، تقریباً برهنه شده است (ماکسیم سیرو ۱۹۶۵). اندودهایی که هنوز مرئی هستند. از رس و گچ تشکیل شده اند و بر آن ها اندود نازکی از گچ خالص کشیده شده است. سطوح بزرگ بیرونی نیز اندود شده اند. به جز در یک جا (که قراوانخانه یا پاسگاه بوده است) اثری از بقایای کفپوش ها نیست. در این محل اندودی ضخیم دیده می شود که به گچ ممزوج با چسب می ماند. هیچ پله ای سالم نمانده است ولی بقایای فرسوده آنها را در شیب های

شده، شاید در همانجا آتش می افروخته اند. کوه آتشگاه، روز آبادیش شکوه مخصوصی داشته است. این پرستشگاه، مانند مسجد و کلیسا دورش دیوار نداشته و چیزی را از کسی نمی پوشانیده. مانند آتش، ساده و پاکیزه بود، همان آتش جاودان نماینده پاکیزگی و زیبایی که به سوی آسمان زبانه می کشیده و در شب های تار، از دور دل های افسرده را قوت می داده و از نزدیک با پیچ و خم دلربا با روان انسان گفتگو می کرده.... (هدایت، ۱۳۳۳)

■ آندره گدار؛ ۱۹۳۸ میلادی

«... ممکن است آتشگاه اصفهان هم که در بالای تپه ی مجردی واقع شده و غیر از دیوارهای پشتیبان صاف، چیزی از آن باقی نمانده، آتشکده ای بوده باشد. همچنین ممکن است که مانند معبد حسین کوه که آتش های تخت جمشید را زیر نظر داشته، آن نیز بر آتش های اصفهان مسلط بوده است، و این البته فرضی بیش نیست.» (گدار، ص ۲۶۳).

«در قسمت بالای این تپه، ویرانه های ابنیه چندی است که بر روی یکدیگر ساخته بوده اند و برخی از آنها به طور واضح متعلق به دوره اسلام و برخی دیگر یقیناً مربوط به پیش از اسلام می باشد. پاره ای دیوارها، از خشت های پهن و ضخیمی درست شده است که هر طبقه آن به وسیله نی از طبقات دیگر جدا می باشد. ساختمان کوچک آجری که بر قله تپه واقع گردیده و تاق های جناغی در بر دارد، مطمئناً مربوط به دوره اسلام است.» (همان، ص ۱۲۵)

■ ماکسیم سیرو؛ ۱۹۶۵ میلادی

«رابرت کربورتر» که در اوایل سده نوزدهم میلادی (۱۸۱۸ م.) به اصفهان سفر کرده، از فراز

غیر ممکن گشته است. ... از این مکان در نوشته های مستوفی با نام آتشگاه ماریین یاد شده است. بنای کوشک مانند فوقانی؛ مربوط به سال های نزدیک تر (احتمالاً دوره مغول) می باشد، و به طور یقین متعلق به دوره ساسانی نیست. «اونوالا» و به تبع او کریستن سن معتقدند که آتشکده های ساسانی عموماً دارای هشت درگاه و فضاهای هشت گوشه بوده اند و بدون ذکر جزئیات و ادله بیشتر از مسجد جمعه یزد، به عنوان بنایی که بیشتر آتشکده به گونه ای که اونوالا ذکر می کند (هشت گوشه) در این مسجد دیده نمی شود... به طور کلی می توان اظهار داشت که بنای (منسوب به آتشکده) اصفهان با توجه به شکل ظاهری خود، هیچگونه شباهتی با آتشکده های دوره ساسانی ندارد» (Schipmann, 1971: 460-465).

■ **تاورنیه (۱۶۳۸-۱۶۶۳م):** چنین بیان می نماید: «در طرف جنوب به مساحت دو فرسخ از اصفهان کوه خیلی بلندی است که در قله به طرف مغرب خرابه های یک قلعه محکمی دیده می شود. در اینجا داریوش خود را به زمان جنگ با اسکندر حفظ می کرده است. در طرف این کوه یک مغازه طبیعی یا مصنوعی است که چشمه آبی در آن جاری و درویشی در آنجا منزل دارد».

■ **شاردن (۱۶۶۶-۱۶۷۷م):** آن را محله گبرها نزدیک اصفهان می داند و می گوید شاه عباس آنجا را برای اینکه در اطراف منزلگاه سلطنتی بشود، خالی نمود.

■ **بل (۱۷۱۵م):** همان حکایت داریوش و اسکندر را تکرار می نماید و می نویسد که خرابه ای برجی در روی کوه دیده می شود که می گویند وقتی

صخره ای سمت خاورتپه، جایی که در امتداد ورودی اصلی کنده شده بود، می توان حدس زد. قفل و بست های پله ها و دیواری از خشت خام، آنجا که پلکان شمالی رابط سطح فوقانی تر از ۷۸ متر، به صفه پیش از آن قرار داشت. بخوبی قابل تشخیص هستند. چنین بر می آید که این پله ها بسیار بلند بوده اند. تخته سنگ های بزرگی، سطوح سایش را تشکیل می دادند. آشکار است که روستائیان مدت ها پیش، آنها کنده و برده اند.

■ **کلاوس شیپ مان؛ ۲۷ سپتامبر ۱۹۶۴**

میلادی

« آتشگاه حدود ۵ کیلومتری جنوب غربی اصفهان، بالای یک تپه، دست راست جاده ای که اصفهان را به نجف آباد (۳۵ کیلومتر) و سپس گلپایگان و دلیجان متصل می سازد، جای دارد. در مورد بلندی این تپه، گزارش های متفاوتی شده است. «الکساندر» آن را ۳۰۰ فوت (۹۱/۴ متر) گفته است، «هاتوم شیندلر» ۱۰۰ فوت، جکسن ۷۰۰ فوت، و اخیراً سیرو ۸۶ متر. طبق مشاهدات من، بلندی این تپه، بیش از ۱۰۰ متر نیست. ساختمان (هشت دری فوقانی) چند سال پیش مرمت شده است که البته این مرمت ها منجر به تغییرات زیادی در سیمای آن شده است. از هشت درگاه آن، تنها دو درگاه جهت آمد و شد (همانگ با سطح صخره ای) تعبیه شده است. بقایای گنبد بنا از میان برده شده، و پس از صاف کردن سطح بام، صفحات ساده ای (جهت محافظت) روی آن گذاشته اند. درون بنا، یک سطح صخره ای از خاک کف بالا آمده است. نمی توان تشخیص داد که این محل مربوط به چه نوع تاسیساتی بوده است. با توجه به مرمت های انجام شده، تعیین قدمت بنا

اگر بناهای سومریان در بین النهرین مورد توجه قرار گیرد خواهیم دید که از نظر معماری، فرم بنا، چگونگی ساخت و انتخاب محل بنایی که در این منطقه به آتشگاه معروف است تا اندازه ای شبیه به بناهای سومریان در بین النهرین است و می توان گفت که بین سازندگان بناهای بین النهرین از یک طرف و سازنده یا سازندگان آتشگاه رابطه ای وجود داشته است که شاید این رابطه از نظر ایدئولوژیکی بود ولی آنچه مسلم است آتشگاه بنا به دلایلی که ذکر خواهد شد، نمی تواند در دوره ساسانیان ساخته شده باشد.

۱. در نوشته های مورخین اوایل اسلامی که در مورد بنای آتشگاه مطالبی نوشته شده اند، ذکر کرده اند که دژ ماربین بنای آتشگاه نهاده شد که بدون استثناء همه آنها از دژ ماربین سخنی رانده اند و این دلیل آن است که در اول دژی وجود داشته و بنای آتشگاه را در درون دژ ساخته اند.

۲. سفال های یافت شده از اطراف دیوارها که جهت مرمت تمیز می شد سفال های پارتی است که مربوط به اواخر دوره اشکانیان و اوایل ساسانیان می باشد.

۳. اگر در آثار دوره ساسانیان دقت شود در این دوره برای ساختن ساختمانها اعم از معابد یا قصور مصالح سنگی را ترجیح می داده اند و بیشتر از لاشه سنگ استفاده شده مانند فیروزآباد، سروستان، بیشابور، قلعه دختر، آتشکده نظنز، آتشکده نیاسر کاشان و ... در صورتیکه این بنا بر روی تپه ای سنگی قرار گرفته است که در چند سال اخیر قسمت مهمی از تپه را با دینامیت خراب و سنگهای آن را جهت ساختمان برده اند.

اسکندر در مرتبه ثانی با ایرانی ها جنگ کرد، داریوش در آن قلعه خود را حفظ نمود.

■ کرپرتر (۱۸۲۱م): معتقد است که در محلی که گبرها و مخصوصاً آنهایی که به همراهی قشون محمود افغان آمده در اینجا منزل داشته، واقع شده و هیچ محل تردید نیست که اینها در جایی که اجداد و نیاکان آنان در نخستین مرحله که سواحل زاینده رود مسکون می شده است. سکنی گرفته اند و این نقطه را در یک مکان عالی برای پرستش یافتند.

■ لردکرزن (۱۸۹۲م): اینجا به این جهت آتشگاه می گویند که اردشیر درازدست آتشکده بر آن بنا کرده است.

زمان ساخت آتشگاه

با قبول این نظریه که سومریها از کوههای زاگرس به طرف دشت بین النهرین سرازیر شده اند و تمدن عظیمی در این منطقه به وجود آورده اند می توان ادعا نمود همانطور که این افراد از این کوه ها به طرف غرب سرازیر شده اند. به طرف شرق نیز که منطقه ای جهت زندگی افراد و چرای چهارپایان آنها مناسب می باشد مورد توجه قرار گرفته و عده ای از سومریان در این قسمت ساکن شده اند گر چه فعلاً دلیل قاطعی جهت این موضوع در دست نیست. بدین علت است که در مورد پیش از تاریخ و آغاز تاریخی منطقه اصفهان مطالعه جامعی انجام نشده و بیشتر محققین در مورد تمدن اسلامی این منطقه تحقیق و بررسی مالی انجام داده اند چون تمدن اسلامی اصفهان به اندازه ی شکوفا بوده که تمام مسائل پیش از اسلام را تحت الشعاع خویش قرار داده است.

سفال با نقش شانه ای اوایل اسلام یافت شده است. ولی آنچه که مسلم است این که در دوره دوم که در این قسمت می خواسته اند زندگی کنند بدین صورت بوده است که آثار قبل را بریده اند، پی بناهای خود را در آنجا قرار داده اند.

مسئله دیگری که ذکر آن در اینجا لازم است این که بنا به علت موقعیت خاص آن چه از نظر جغرافیایی و سوق الجیشی و وسعت دید در زمان های مختلف مورد توجه عموم قرار گرفته و در زمان هایی که کمتر از اسلحه گرم استفاده می شده دسترسی به این قسمت کار بسیار مشکلی بوده و حتی اگر آذوقه و آب افراد ساکن می داشته اند می توان گفت که تسخیر آن غیرممکن بوده و از این نظر همیشه و در همه زمان ها مورد استفاده قرار می گرفته و هر دوره تغییراتی در ساختمان داده شده است که فعلاً روشن نمودن وضع اولیه بنا به سادگی میسر و بلکه می توان گفت غیر ممکن است. مسئله دیگری که بسیار قابل اهمیت است موضوع آب است که در این بنا به چه صورت حل می شده و آب را به سطح بالا می رسانده اند و اگر معبد و یا آتشکده بوده وجود آب لازم بوده چون همیشه در معابد زرتشتیان رابطه ای میان آب و آتش بوده که در اینجا این مسئله بایستی با مطالعه دقیق روشن شود. مسئله بعدی نیز که نباید ناگفته ماند این است که این محل دارای حصار و خندق و برج و بارو بوده که حالا از بین رفته است و اگر در ابتدا ساختمان نداشته بطور قطع دوران های بعد به آن اضافه شده چون این بنا بصورت منفرد و دور افتاده نبود، و بطور یقین می-بایستی که در یک بافت قرار داشته باشد که در اطراف کوه واحدهای زیادی قرار داشته که برای

۴. اگر بنا را از نظر پلان، فرم جهت قرارگرفتن در نظر بگیریم متوجه خواهیم شد که با آتشکده های ساسانیان هیچ گونه شباهت یا رابطه ای نخواهد داشت چون چهارطاقی های دوره ساسانی معمولاً یک چهارطاقی در قسمت مرکزی قرار داشته است و با گنبدی بر روی آن و دور تا دور این چهارطاقی راهروئی قرار داشته که برای زیارت آتش در این راهرو می گشته اند و درهای ورودی معمولاً در اضلاع شرق یا غرب قرار داشته است که در جلوی این درها ایوان ستونداری قرار می گرفته است. پلان آتشگاه هیچگونه شباهتی حتی در یک مورد با انواع پلان های دوره ساسانی ندارد.

۵. از تزئینات ساسانی مانند گچبری، نقاشی، ستون، نقوش ساخته شده بوسیله موزاییک و خط نوشته و ... هیچگونه اثری در اینجا نمی توان یافت علاوه بر اینها هیچگونه نشانه ای از ذغال خاکستر یا دیوار سیاه شده که حکایت از وجود روشن بودن آتش در این محل می باشد در دست نیست جز نام آتشگاه و اگر هم این محل آتشگاه بوده فقط بخاطر نگهداری آتش بوده و نه معبد و نه محل پرستش آتش بوده است.

نتیجه گیری :

آنچه را در نتیجه کار می توان گفت این است که این منطقه دارای دو دوره مختلف زندگی می باشد که هر دو دوره با دوره ساخته شدن بنای اصلی یعنی دوره اول آتشگاه متفاوت است چون از نظر مصالح با اصل بنا فرق می کند که به احتمال زیاد دوره قدیمی این منطقه را می توان دوره ساسانی دانست (سفال های یافت شده پارتی ساسانی است) و دوره دوم آن را اوایل اسلام ذکر نموده اند که

۷. بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۳۴۶، فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش آذرنوش، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، مهر.
۸. پوپ، آرتور اپهام، ۱۳۶۶، معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار، انتشارات انزلی.
۹. پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۸۰، سبک شناسی معماری ایرانی، تدوین غلامحسین معماریان، نشر پژوهنده، معمار، مهر.
۱۰. تفضلی، احمد (شهرستان های ایرانی)، ۱۳۶۸، شهرهای ایران (جلد سوم) به کوشش محمدیوسف کیانی، چاپخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۱۱. جبل عاملی، عبدا...، ۱۳۵۲، گزارش تعمیرات بناهای تاریخی، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، دفتر فنی استان اصفهان.
۱۲. حموی بغدادی، یاقوت، ۱۳۸۰، معجم البلدان (جلد اول) ترجمه علینقی منزوی، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
۱۳. زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۶۸، تاریخ مردم ایران (از پایان ساسانیان تا پایان آل بویه) انتشارات امیرکبیر، تهران.
۱۴. سیرو، ماکسیم، ۱۳۶۹، آتشگاه اصفهان، ترجمه کلود کرباسی، مجله اثر، شماره ۱۸، ۱۹، زمستان.
۱۵. شهردان، رشید، ۱۳۳۶، پرستشگاه، زرتشتیان، سازمان جوانان زرتشتی بمبئی، بمبئی، یزدگردی.
۱۶. صرامی فروشانی، رسول، ۱۳۸۴، دیارکهن خمینی شهر، پویش اندیشه، اصفهان.
۱۷. فرای، ریچارد، ۱۳۷۵، عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، سروش، تهران.

روشن شدن این مطلب می بایستی یک حفاری مفصل در اطراف کوه انجام گیرد.

آنچه مسلم است پی ریزی و ساخته شدن بنا سابقه ای طولانی تر دارد و با شواهدی که اکنون برای ما باقی است می توان زمان ساخته شدن بنا را به دوره های قبل از هخامنشیان نسبت داد و برای روشن شدن وضع این بنا احتیاج به یک حفاری عظیم در اطراف کوه آتشگاه است تا بتوان با جراتی بیشتر و دلایلی کافی تر در مورد زمان ساخته شده بنا اظهار نظر نمود و میتوان امیدوار بود که توجه بیشتری به این بنای منحصر به فرد پیش از اسلام بشود. شاید مجهولاتی از تاریخ پیش از اسلام و سابقه تاریخی این شهر بزرگ باستانی ایران معلوم گردد.

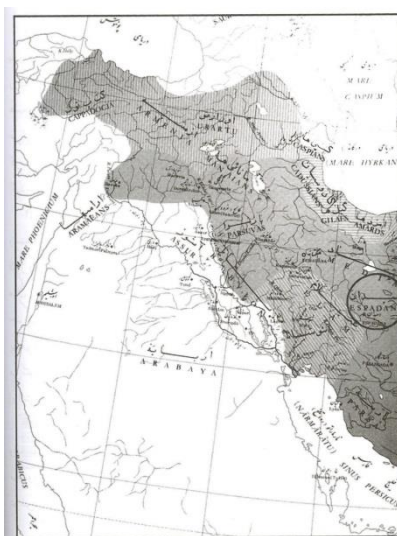
منابع

۱. ابن بلخی، ۱۳۶۳، فارس نامه، تصحیح گای لیسترانچ و رینولد آلن نیکلسون، دنیای کتاب.
۲. ابن حوقل، ۱۳۶۶، سفرنامه، ترجمه جعفر شعار، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۳. ابن خردادبه، ۱۳۷۱، مسالک و ممالک، ترجمه سعید خاکرند، موسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل / موسسه فرهنگی حنفا، تهران.
۴. ابن رسته، ۱۳۶۵، الاعلاق النفیسه، ترجمه حسین قره چانلو، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.
۵. ابن فقیه، ۱۳۴۹، ترجمه مختصر البلدان، ترجمه ح، مسعود، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۶. ابونعیم اصفهانی، حافظ، ۱۳۷۷، ذکر اخبار اصفهان، ترجمه نورا... کسایی، سروش، تهران.

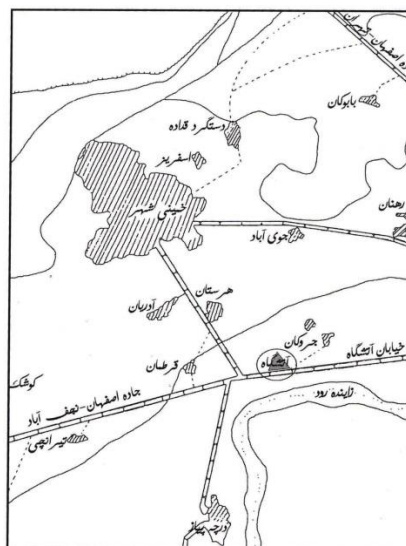
۱۸. گدار، آندره، هنر ایران، ۱۳۷۷، ترجمه بهروز حبیبی، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۹. محمودیان، محمد، ۱۳۴۸، زاینده رود اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان.
۲۰. مقدس، محمد، ۱۳۵۳، گزارش آتشگاه، دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی اصفهان.
۲۱. هدایت، صادق، ۱۳۳۳، پروین دختر ساسان و اصفهان نصف جهان، امیرکبیر، تهران.
۲۲. همایی، جلال الدین، ۱۳۸۴، تاریخ اصفهان، به کوشش ماهدخت بانو همایی، نشر هما، تهران.
۲۳. هنرفر، لطف ا... (آثار تاریخی جی)، شهریور ۱۳۵۲، مجله هنر و مردم، شماره ۱۳۱.
۲۴. هنرفر، لطف ا...، مهر ۱۳۵۰، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، چاپخانه زیبا، تهران.
- ۲۵- هنر فر، لطف ا...، زاینده رود در گذر تاریخ، مجله هنر و مردم، شماره ۱۸



نقشه طبیعی فلات ایران که جای ساکنان ماد در آن مشخص شده است



بخشی از نقشه دولت مادها که در آن، اسپدان یا اصفهان مشخص شده است.



موقعیت آتشگاه نسبت به خمینی شهر و روستاهای اطراف



کوهپایه منفرد سنگی که بنای آتشگاه بر روی آن قرار دارد



موقعیت بنا نسبت به زاینده رود



منظره هوایی از آتشگاه



موقعیت برج نسبت به ساختمانهای باقیمانده



برج مانندی که در بلندترین قسمت تپه قرار دارد



قسمت دیگری که بریده شده



قسمتی از تپه که تخته سنگهای آن را بریده و برده اند



موقعیت منبع آب از جبهه دیگر



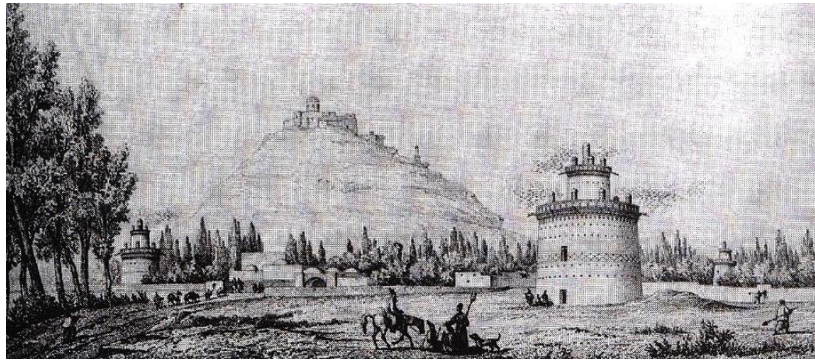
موقعیت منبع آب شهر که بر روی تپه قرار گرفته



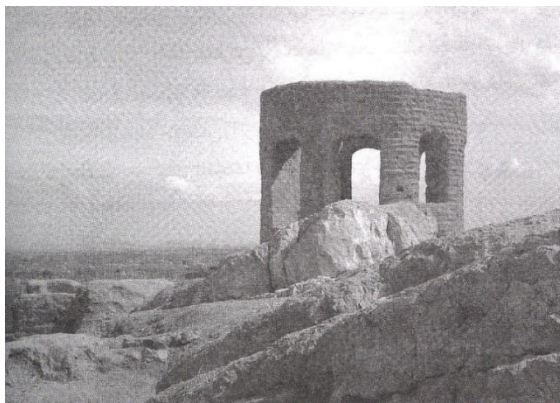
قسمتی از باقیمانده یک دیوار در نزدیکی منبع آب



چگونگی بریده شدن تپه برای تعبیه منبع آب و صدمه ای که به بنا وارد نموده است



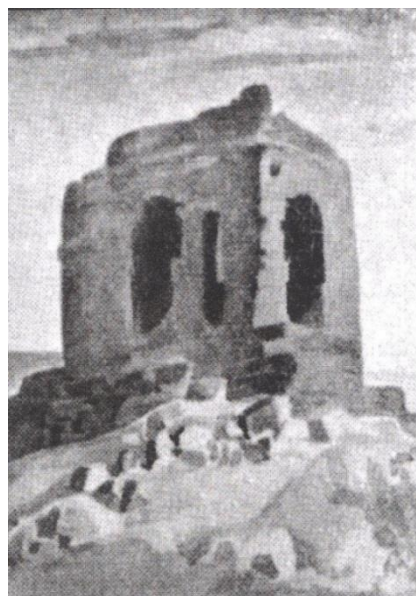
■ ویلیامز جکسن؛ ۱۹۰۳ میلادی



از همان زاویه در سال ۱۳۸۴ خورشیدی



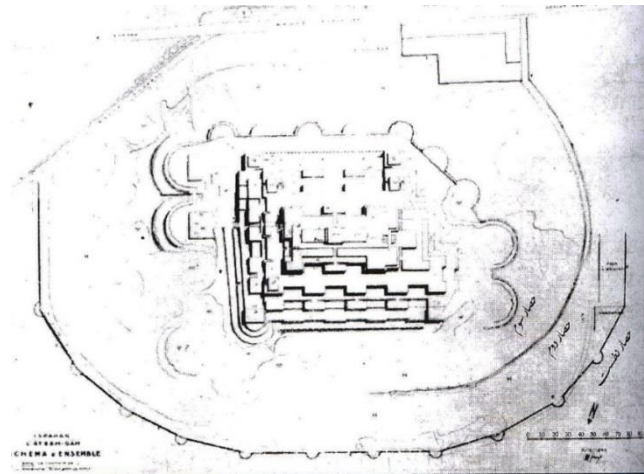
نمای غربی بنای استوانه ای شکل فوقانی در عکس جکسن به سال ۱۹۰۳ میلادی



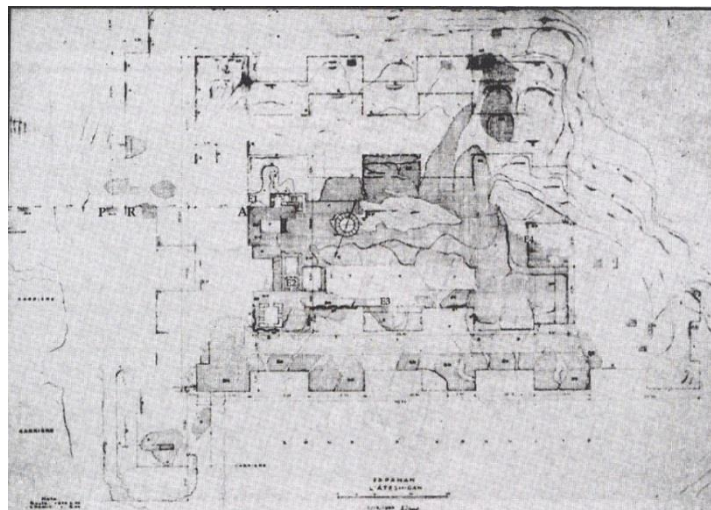
طرح صادق هدایت از بنای استوانه ای شکل (هشت دری) به سال ۱۳۱۱ خورشیدی



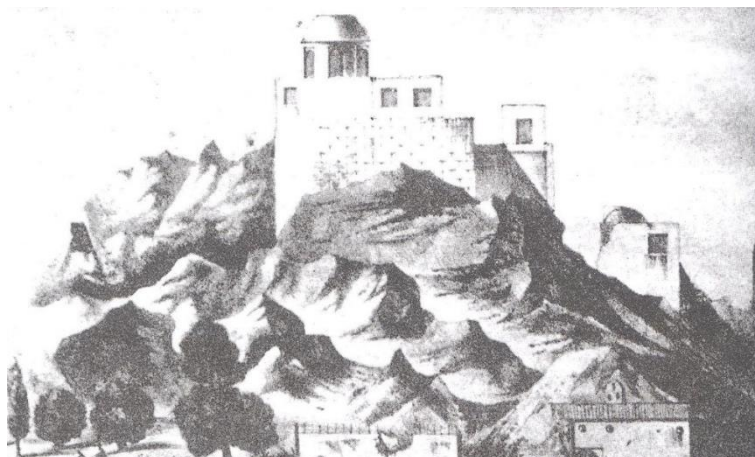
عکسی از اندره گذار از ساختمان کوچک بر فراز کوه آتشگاه ۱۹۳۸ میلادی



نقشه عمومی محوطه آتشگاه و موقعیت سه حصار آن



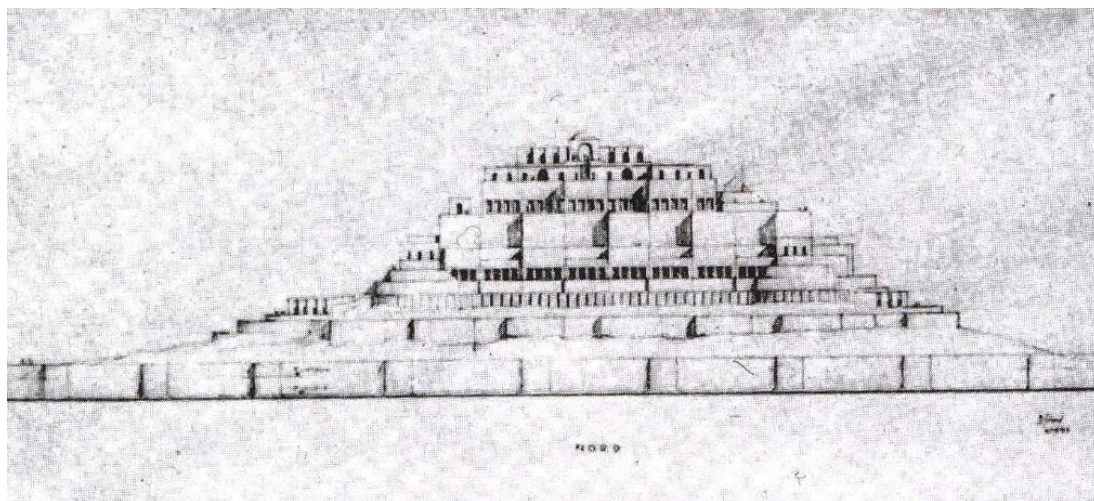
پلانی که ماکسیم سیرو به سال ۱۹۶۳ میلادی از تاسیسات آتشگاه اصفهان ترسیم نموده است.



صورت یک گراور قدیمی از کوه آتشفگاه اهدا شده از سوی عباس فاروقی به ماکسیم سیرو



صفه های دامنه های شمالی عکس از سال ۱۹۶۳ میلادی



طرح بازسازی شده نمای شمالی آتشفگاه از ماکسیم سیرو



دهنه مورد نظر که شاید پله های بنا در این قسمت بوده



جهتی که به نظر می رسد پله در آن طرف قرار داشته



محل مورد نظر از قسمت بالای بنا



قسمتی که شسته شده و به احتمال محل پلکان بنا بوده



در و دیواری که ساختمانی که در دوره های بعد ساخته شده که در قسمت بالا دیده می شود



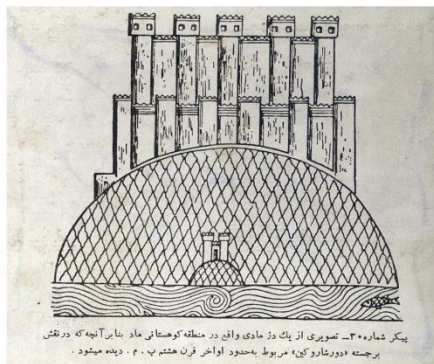
فرم کنگره ای شکل ساختمان اصلی آتشگاه



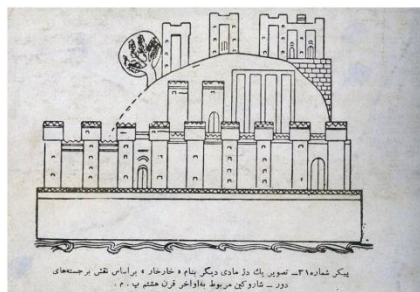
فرم قرار گرفتن ساختمان دوره بعد بر روی بنای اصلی



یکی از پایه های ساختمانی که بعدا ساخته شد



دژ دوره مادی که از نظر فرم ساختمانی و قرار گرفتن بر روی تپه کاملاً قابل مقایسه با بنای اصلی آتسگاه می باشد



نوع دیگر دژی از دوره ماد که دارای پنجره نماهانی است (پنجره کور)



نمای دیگری از باقیمانده بنای اولیه



قسمتی از باقیمانده ساختمان که عظمت آن چشمگیر است



یکی از کنگره ها که بر روی دیوار آثار باقیمانده پنجره نما به چشم می خورد



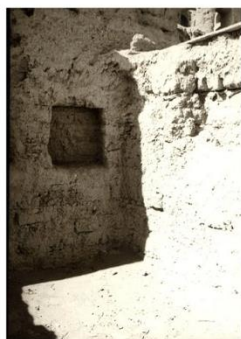
همان قسمت از رویرو که از این قسمت می توان حدس زد میلیونها خشت در بدو ساخت بنا به کار رفته است



کانال یافت شده در حین گمانه زنی



ترتیبات روی بنا و اندازه فاصله آنها از یکدیگر (پنجره نما)



نمونه طاقچه هائی که در دیوار اصلی تعبیه شده



ترمیمه یکی از اطاقهای باقیمانده در شمال شرقی بنا



قسمتی از تخته سنگ گوه که تراشیده شده و در حین خاکبرداری جهت مرمت مشخص شد



قسمتی از خشتهای کف یکی از اطاقها و نمای خشتهای دیوار که بریده شدن آن مشخص است



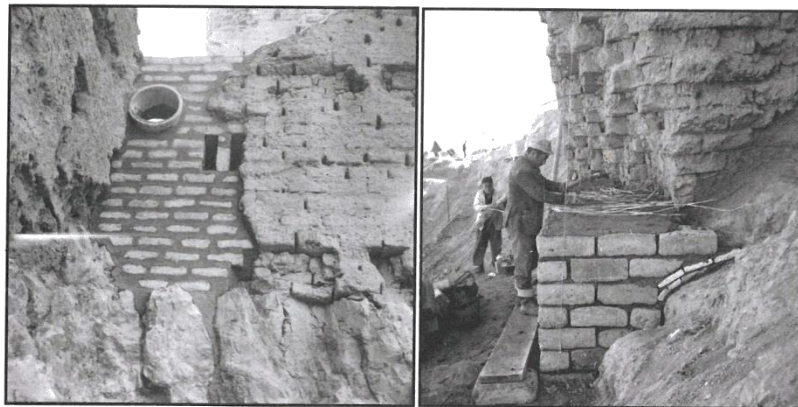
گوشه یک اطاق که در روی نقشه با شماره ۱۰ مشخص شده

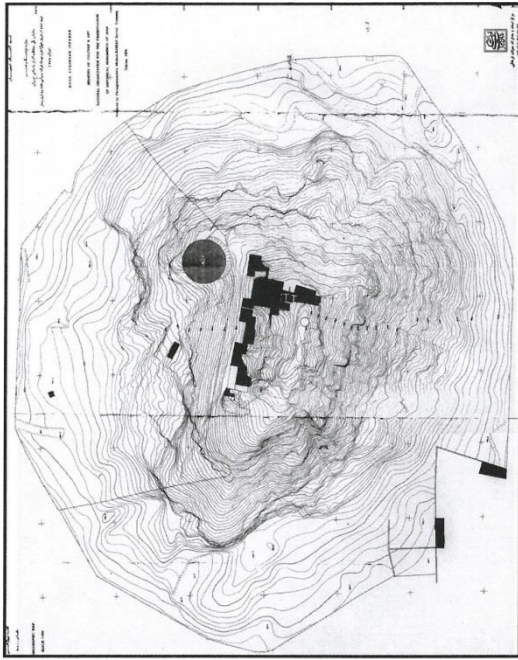


خشتهای به کار رفته کف یکی از اطاقها (گمانه B)



نمونه هایی از سفالهای یافت شده

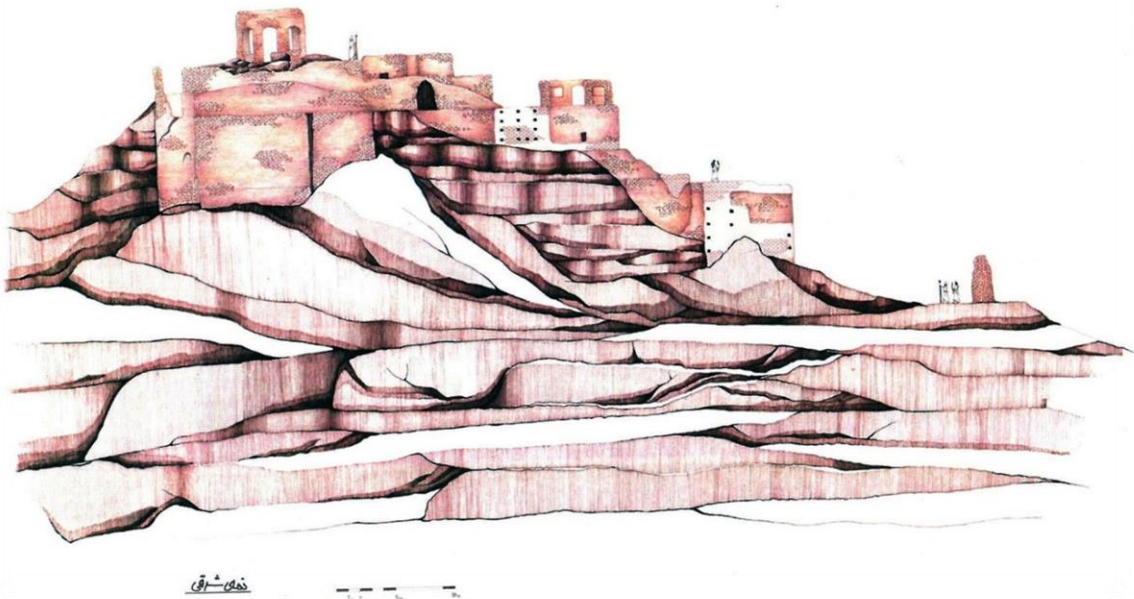




نقشه کوه آتشگاه اصفهان. تهیه شده از طریق فتوگرامتری، توسط شرکت سهامی نقشه‌برداری رصد، تهران، ۱۳۵۴. مأخذ: مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی کشور



نقشه GIS منطقه آتشگاه، تهیه شده بر اساس عکس هوایی سال ۱۳۷۵. مأخذ: سازمان نقشه‌برداری کشور



برداشت نمای شرقی آتشگاه اصفهان